و) عبارت مسالک

آن چه که پایان عرض من است، مسالک جلد هشتم،صفحه ۱۸۰ است.

> و الأقوى ما اختاره المصنف من عدم وجوب التعيين، و يجتزئ بتلقيهما الجائز منهما، سواء كان إحدى القراءات المتواترة أم المملفّق منهما، لأن ذلك كلّه جائز أنزله اللّه تعالى، و التفاوت بينهما مغتفر. و النبي صلّى اللّه عليه و آله و سلّم لما ّ زوّج المرأة من سهل الساعدي على ما يحسن من القرآن لم يعيّن له الحرف، مع أن التعدّد كان موجودا من يومئذ. و اختلاف القراءات على ألسنة العرب أصعب منه على ألسنة المولّدين. و وجه تسمية القراءة بالحرف ما روي من أن النبي صلّى اللّه عليه و آله و سلّم قال: «نزل القرآن على سبعة أحرف» و فسّرها بعضهم بالقراءات . و ليس بجيّد، لأن القراءات المتواترة لا تنحصر في السبعة، بل و لا في العشرة، كما حقّق في محلّه. و إنما اقتصروا على السبعة تبعا لابن مجاهد حيث اقتصر عليها تبرّكا بالحديث. و في أخبارنا أن السبعة أحرف ليست هي القراءات، بل أنواع التركيب من الأمر و النهي و القصص و غيرها .[1]

«و الأقوى ما اختاره المصنف من عدم وجوب التعيين، و يجتزئ بتلقيهما الجائز منهما ؛ آن چه که جایز است،**سواء كان إحدى القراءات المتواترة»؛** فقط یکی از آنها؛**«أم المملفّق منهما»؛** چون همه آنها جایز است.بعد تصریح میکنند **«لأن ذلك كلّه جائز أنزله اللّه تعالى»؛** همه اینها کلام خدا است، لازم نیست حتما ً یکی از آنها باشد. یعنی شهید ثانی با این تعلیل آخر کارشان تصریح میکنند که والا ً باید جایز باشد. جایز هم آنی است که خدا نازل کرده باشد. و جایز در آنها سبعه ای عشره است. بعدا ً اشاره میکنند که منظور قرائات سبع نیست و نکته خیلی عالی را گفتند. من میگویم که این از دُر گرانبهاتر است. فرمودند ما در مواراء عشر هم متواتر داریم. نه تنها در سبع و عشر متواتر داریم بلکه در مواراء آن هم داریم.**«لأن القراءات المتواترة لا تنحصر في السبعة، بل و لا في العشرة، كما حقّق في محلّه».**

بنابراین تواتر قرآن در کلمات آمده است. میخواستم از آقای شعرانی در تأیید حرف علامه بخوانم، ان شالله فردا.

والحمد لله رب العالمين

---

[1]مسالک ج۸ص۱۸۰

بازبینی #2
ایجاد شده 18 آوریل 2024 14:55:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 14:29:36 توسط ... .